

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مکالمه های زبان انگلیسی سال سوم راهنما

به امید آن که هیچ دانش آموزی از نعمت یادگیری محروم نماند.
با قرار دادن این جزوه در اختیار دیگران ما را در این رسالت یاری کنید.

LESSON ONE

Ahmad's Wallent

Amir : oh! Theres a wallent on the ground. Is it your wallent?

امیر: نگاه کن یک کیف پول روی زمین است. آیا آن کیف پول تو است؟

Ali : No, it isn` t. The colour of my wallent is brown, but this one is yellow.

علی: نه آن مال من نیست رنگ کیف پول من قهوه ای است ولی این یکی زرد رنگ است.

Amir : Perhaps it` s Ahmad` s. He is there at the bus stop.

امیر : شاید آن مال احمد باشد او آنجا در ایستگاه اتوبوس است.

Ali: I don` t know Ahmad. What does he look like?

علی :من احمد را نمی شناسم او چه شکلی است؟

Amir : He` s tall and thin and has short black hair.

امیر: او قدبلند و لاغر است و موهای کوتاه و سیاه رنگی دارد.

LESSON TWO

Our English Teacher

Nahid : Do you know our new teacher?

ناهید: آیا معلم جدید ما را می شناسی؟

Zahra: No, I don` t. Who`s she?

زهرا: نه نمی شناسم. او کیست؟

Nahid: Mrs Tehrani. She teaches us English.

ناهید: خانم تهرانی. او به ما انگلیسی درس می دهد.

Zahra: Is she a good teacher?

زهرا: آیا او معلم خوبی است؟

www.englishhome.ir

Nahid: Yes, she is. All the students like her very much.

ناهید: بله او معلم خوبی است. همه دانش آموزان او را خیلی دوست دارند.

Zahra: Does she speak Persian in the classroom?

زهرا: آیا او در کلاس فارسی صحبت می کند.

Nahid: No, she usually speaks English.

ناهید: نه او معمولاً انگلیسی صحبت می کند.

LESSON THREE

How much or How many

- What are you doing , mother?

مادر چکار دارید می کنید؟

- I`m cooking lunch. We have some guests today.

دارم ناهار می پزم . ما امروز تعدادی مهمان داریم.
www.englishhome.ir

LESSON FOUR

I enjoyed the cartoons

Mahin: Do you ever watch TV, Zohreh?

مهین: زهره آیا تو تلویزیون تماشا می کنی؟

Zohreh: Yes, I usually watch TV in the evening.

زهره: بله من معمولا عصرها تلویزیون تماشا می کنم.

Mahin: Did you watch the children`s program yesterday?

مهین: آیا دیروز برنامه بچه ها را تماشا کردی؟

Zohreh: Yes, I enjoyed the cartoons very much.

زهره: بله از کارتون ها خیلی لذت بردم.

Mahin: Did you watch the news, too?

مهین: اخبار را هم تماشا کردی؟

Zohreh: Yes, I did.

زهره: بله تماشا کردم.

Mahin: Oh, when did you finish your homework?

مهین: اوه چه موقع تکالیف را تمام کردی؟
زهرا: بعد از ظهر.

Zohreh: In the afternoon.

LESSON FIVE

I saw him this morning

Ali: Hello, Reza. How are you today?

علی: سلام رضا امروز حالت چطور است؟

Reza: Not too bad.

رضا: بد نیستم.

www.englishhome.ir

Ali: Did you see payman yesterday?

علی: دیروز پیمان را دیدی؟

Reza: No. I saw him this morning.

رضا: نه من امروز صبح او را دیدم.

Ali: What did you talk about?

علی: درباره چه صحبت کردید؟

Reza: We talked about many things.

رضا: درباره چیزهای زیادی صحبت کردیم.

Ali: Is he in your class?

علی: او در کلاس شماست؟

Reza: No, he is in grade two.

رضا: نه او در کلاس دوم است.

LESSON SIX

I was helping my mother

www.englishhome.ir

Nahid: Did you see the film yesterday evening?

ناهید: آیا دیروز عصر فیلم را دیدی؟

Mehri: No I didn't. I was helping my mother.

مهري: نه ندیدم. من داشتم به مادرم کمک می کردم.

Nahid: What was she doing?

ناهید: او چه کاری انجام می داد؟

Mehri: She was cooking dinner.

مهري: او مشغول پختن شام بود.

Nahid: What did you do?

ناهید: شما چه کار کردید؟

Mehri: I washed the dirty dishes.

مهري: من ظرف های کثیف را شستم.

Nahid: Did you wash all of them?

ناهید: آیا همه ی آنها را شستی؟

Mehri: Yes, I did.

مهري: بله شستم.

LESSON SEVEN

May I leave the classroom

Ali: Excuse me sir.

علی: معذرت می خواهم اقا.

Teacher: Yes what is it?

معلم: بله چه شده است؟

Ali: Reza doesn't feel well.

علی: حال رضا خوب نیست.

Teacher: What's the matter, Reza?

معلم: چه شده است رضا؟

Reza: I have a headache.

رضا: سرم درد می کند.

Teacher: Can't you stay in the classroom?

معلم: نمی توانی در کلاس بمانی؟

Reza: No I can` t. May I leave now?

رضا: نه رهي توانم. اجازه است الان کلاس را ترک کنم؟

Teacher: Sure. But you should com back after the break.

معلم: حتما. اما بايد بعد از وقت استراحت برگردی.

LESSON EIGHT

He usually drives carefully

A: Where is Hamid today?

حمید امروز کجاست؟

B: He`s in hospital.

او در بیمارستان است.

A: Why?

چرا؟

B: He had a car accident yesterday.

www.englishhome.ir

او دیروز با ماشین تصادف کرد.

A: That`s too bad. Is he a careless driver?

خیلی بد شد. آیا او راننده بی دقتی است؟

B:No, he usually drives carefully.

نه او معمولاً با دقت رانندگی می کند.

A:Was he driving carelessly yesterday?

آیا او دیروز با بی دقتی رانندگی می کرد؟

B:Yes, he was driving fast.

بله او با سرعت رانندگی می کرد.

LESSON NINE

We'll go next week

Amir: Look! There are a lot of clouds in the sky.

امیر: نگاه کن! ابرهای زیادی در آسمان است.

www.englishhome.ir

Mehdi: oh yes. It may rain tonight.

مهدی: اوه بله . امشب ممکن است باران بیاید.

Amir: Will you go to the country tomorrow?

امیر: آیا فردا به روستای می روید؟

Mehdi: No we`ll go next week.

مهدی: نه هفته ی آینده میروم.

Amir: Why do you often go to the country?

امیر: شما چرا اغلب به روستا می روید؟

Mehdi: We have a lot of relatives there.

مهدی: ما آن جا خویشاوندان زیاده داریم.

Amir: Good luck . Have a good time.

امیر: موفق باشید . خوش بگذرد.

Mehdi: thanks . See you later.

مهدی: متشکرم . به امید دیدار.

تهیه شده: توسط حمید دهقانی
دانش آموز فعال و کوشای کلاس سوم مدرسه شهید چمران ماکو

دبیر مربوطه: هادی جعفری
سال تحصیلی ۹۱-۱۳۹۰

www.englishhome.ir

www.englishhome.ir

www.englishhome.ir

www.englishhome.ir